

یادداشت

دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم

روایت تمدن‌ها: مصر چگونه پیش افتاد؟



محسن شریف‌خدائی

تخلیلگر روابط بین الملل

در جهان امروز که مرزهای تأثیرگذاری دیگر محدود به قدرت نظامی و اقتصادی نیستند، دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای قدرت نرم، جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها یافته است. این نوع دیپلماسی، با تکیه بر میراث تاریخی، فرهنگی و هنری، زبان، آیین‌ها و جذابیت‌های گردشگری، بستری برای تعامل میان ملت‌ها و بازسازی تصویر تمدن جهانی کشورها فراهم می‌کند. در این میان، کشورهایی که بتوانند روایت تمدنی خود را به زبان فرهنگی و گویا بیان و ترجمه کنند، در رقابت جهانی قدرت نرم پیشواز خواهند بود.

نمونه بارز این تحول را می‌توان در اقدام اخیر مصر مشاهده کرد. در نوامبر ۲۰۲۵، دولت مصر با سرمایه‌گذاری بیش از یک میلیارد دلار و مشارکت ژاپن، «موزه مرکزی مایمرا مصر» را در نزدیکی اهرام ثلاثه افتتاح کرد؛ بنایی عظیم که اکنون بزرگ‌ترین موزه باستان‌شناسی جهان لقب گرفته است. این موزه با نمایش بیش از ۵۰ هزار اثر تاریخی، از جمله مجموعه کامل «توت‌عنخ‌آمون» – فرعون نوجوان از دودمان هجدهم مصر که آرامگاه تقریباً دست‌نخورده‌اش در سال ۱۹۲۲ کشف شد و به یکی از نمادهای جهانی مصر باستان تبدیل شد– نه‌تنها گردشگران را جذب می‌نماید، بلکه پیام روشنی به جهان مخابره می‌کند: «مصر، میراث‌دار تمدنی است که هنوز زنده است و می‌تواند در دیپلماسی فرهنگی نقش آفرینی کند».

افتتاح این موزه صرفاً یک رویداد فرهنگی نبود، بلکه یک اقدام فرهنگی–دیپلماتیک بود. حضور دهه‌ها هیئت رسمی از سراسر جهان، از جمله پادشاهان و رؤسای دولت‌ها، نشان داد که گردشگری تاریخی می‌تواند به ابزاری برای دیپلماسی چندجانبه تبدیل شود. مصر با این اقدام، نه‌تنها درآمد اقتصادی خود را افزایش می‌دهد – که پیش‌بینی می‌شود سهم گردشگری از تولید ناخالص داخلی این کشور به بیش از ۱۵ درصد برسد – بلکه دولت مصر تصویر فرهنگی خود را نیز بازسازی می‌کند. این تصویر، از فراغنه آغاز شده و اکنون در قالب دیپلماسی فرهنگی به جهان عرضه می‌شود.

در نقطه مقابل، ایران با برخورداری از یکی از متنوع‌ترین اقلیم‌های جهان – از کوه‌های البرز و زاگرس تا جنگل‌های هیرکانی، دشت‌های مرکزی، کویرهای اسرارآمیز، سواحل خزر و خلیج فارس– بهشتی برای طبیعت‌گردی است. در کنار این تنوع طبیعی، ایران میزبان یکی از غنی‌ترین میراث‌های تاریخی و فرهنگی جهان است: بیش از ۲۷ اثر ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، شهرهای تاریخی مانند اصفهان، شیراز، یزد، تبریز و همدان، بناهایی چون تخت‌جمشید، نقش رستم، بیستون، ارگ بم، مسجد جامع اصفهان، بارگاه امام هشتم شیعیان جهان و حضرت معصومه، بازار تبریز و آیین‌ها و سنت‌هایی که ریشه در قرن‌ها و هزاران سال تمدن در ایران و جهان دارند.

بااین‌حال ایران با وجود قرارگرفتن در میان ۱۰ کشور نخست جهان از نظر جاذبه‌های تاریخی و گردشگری، در حوزه درآمدزایی این بخش‌ها در جایگاهی بسیار پایین‌تر قرار دارد، کمتر از دو درصد تولید ناخالص داخلی. این شکاف عمیق میان ظرفیت‌ها و نحوه بهره‌برداری، نتیجه مجموعه‌ای از موانع ساختاری، سیاسی و غیرمحابسه‌گرانه از سوی افراط و تاشنا و رسانه‌های معاند، تصویر نادرستی از امنیت، رواداری و فضای اجتماعی ایران ارائه می‌دهند. درعین‌حال بی‌توجهی نهادهای مسئول به دیپلماسی فرهنگی و نبود راهبردی جامع برای معرفی ایران در سطح منطقه و جهان، موجب شده این ظرفیت عظیم همچنان ناچیز و در سکوت باقی بماند.

محدودیت‌های سیاسی، تحریم‌های بین‌المللی، ضعف در تعاملات فرهنگی با جهان، کمبود زیرساخت‌های گردشگری، حمل‌ونقل، اقامت، مشکلات بانکی، انتقال پول و خدمات دیجیتال و کمبود سرمایه‌گذاری در حفاظت از آثار و اینه تاریخی، توسعه و گسترش موزه‌ها و مراکز فرهنگی، از دیگر عواملی هستند که مانع بهره‌برداری مؤثر از قدرت نرم ایران تاکنون شده‌اند. در حالی که مصر با افتتاح موزه مرکزی میراث خود به جهان پیام «بازگشت تمدن» ارائه می‌دهد، ایران با ظرفیت‌های گران‌بهای تاریخی و تمدنی در ادوار مختلف، هنوز درگیر چالش‌های ابتدایی حفاظت و معرفی آثار گران‌بهای تاریخی خود است.

برای عبور از این وضعیت، ایران نیازمند تدوین راهبرد ملی دیپلماسی فرهنگی و گردشگری است؛ راهبردی که با مشارکت وزارت امور خارجه، وزارت میراث فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد و بخش خصوصی شکل گیرد. سرمایه‌گذاری در حفاظت و توسعه موزه‌های مدرن، توسعه زیرساخت‌های گردشگری پایدار در حوزه طبیعت‌گردی، بخش سلامت و گردشگری مذهبی، مقابله هوشمندانه با تبلیغات منفی از طریق تولید محتوای تصویری و مستند، تسهیل ورود گردشگران خارجی با اصلاح قوانین و ارائه خدمات دیجیتال و ایجاد برند ملی گردشگری ایران با شعارهایی که میراث تاریخی، طبیعت و فرهنگ اسلامی را تلفیق و بازتولید کند، از جمله گام‌های ضروری در این مسیر هستند.

ایران با میراثی از تمدن‌های ایلامی، خاامنشی، ساسانی و اسلامی و جایگاه منطقه‌ای، ظرفیت بی‌نظیری برای تبدیل‌شدن به قطب گردشگری در منطقه و جهان دارد. اما تحقق این هدف نیازمند عبور از موانع دست‌وپایگر، تبلیغاتی و ساختاری است. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند پلی باشد میان گذشته پرافتخار و آینده‌ای پرنفوذ در عرصه جهانی. اگر ایران بتواند از ظرفیت‌های تمدنی، تاریخی و طبیعی خود به نحوی مطلوب بهره‌برداری کند، نه‌تنها در گردونه رقابت گردشگری جهانی حضور خواهد یافت، بلکه می‌تواند نقش تمدنی خود را در جهان امروز بازتعریف کرده و با تکیه بر دیپلماسی و قدرت نرم به‌عنوان ابزاری برای تعامل، تأثیرگذاری و توسعه پایدار بهره‌ای مطلوب ببرد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir



عراقچی در کنفرانس «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» و بازتعریف راه ایران در جهان پساجنگ

دیپلماسی زیر آتش

عراقچی: اکنون در خواست برای مذاکره با ایران دوباره شروع شده است

زمانی شکل گرفت که سیدعباس عراقچی، در پنلی با ریاست سیدمحمدکاظم سجادیور، رودرویی پرسش‌هایی قرار گرفت که بیش از هر چیز بر نسبت جنگ ۱۲روزه، دیپلماسی و آینده سیاست خارجی ایران متمرکز بود. وزیر خارجه با بازخوانی حمله نظامی اخیر به ایران، این عملیات را «حمله‌ای مستقیم به دیپلماسی» توصیف کرد؛ رخدادی که از نظر او بیش از هر چیز نشان داد همه راه‌ها، دیر یا زود، دوباره به میز مذاکره بازمی‌گردد. عراقچی تصریح کرد هیچ‌یک از اهداف اعلامی اسرائیل و آمریکا در این حمله محقق نشد؛ نه برنامه هسته‌ای ایران متوقف شد و نه توان بازدارندگی کشور تضعیف. او تأکید کرد «تأسیسات ممکن است آسیب ببیند اما فناوری را نمی‌توان بمباران کرد» و همین واقعیت است که امروز موج جدید درخواست‌ها برای بازگشت به مذاکره را توضیح می‌دهد. عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره «چارچوب‌های مطلوب ایران برای گفت‌وگو» توضیح داد که جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه میز مذاکره را ترک نکرده و اصلاً خروج از مذاکره در دکتین سیاست خارجی ایران تعریف نشده است؛ با این حال مذاکره –به‌ویژه در حوزه‌های حساس– تنها زمانی معنا دارد که در چارچوب‌های شناخته‌شده و بر مبنای احترام متقابل دنبال شود. او افزود: «ما به مذاکره خیانت نکردیم؛ طرف‌های مقابل بودند که تجربه شکست‌خورده فشار حداکثری را تکرار کردند.» با این حال او همچنان دیپلماسی را «آخرین و قابل‌انکارترین راهکار» رای حل اختلافات، به‌ویژه در مسائل منطقه‌ای، معرفی کرد.

در بخش دیگری از پنل، پرسش درباره پیامدهای جنگ ۱۲روزه بر افکار عمومی و جهت‌گیری‌های داخلی و خارجی کشور مطرح شد. عراقچی با تأکید بر اینکه ایران از یکی از سخت‌ترین مواجهه‌های نظامی تاریخ خود عبور کرده، گفت: «در روزهای نخست، طرف مقابل از تسلیم بی‌قیدوشرط می‌گفت اما در پایان جنگ، خودشان خواستار آتش‌بس بی‌قیدوشرط شدند.» او معتقد است این جابه‌جایی سریع موضع، نتیجه توان بازیابی فوری ساختار دفاعی ایران و قدرت آتش روزافزون نیروهای مسلح بود، واقعیتی که به گفته او باعث شد «آسمان اسرائیل زیر سیطره موشک‌های ایران قرار گیرد». وزیر خارجه بار دیگر تأکید کرد فناوری هسته‌ای آسیب‌ناپذیر است و هر تأسیسات صدمه‌دیده به‌سرعت قابل بازسازی است.

عراقچی با جمع‌بندی ارزیابی‌های خود از وضعیت دفاعی کشور پس از جنگ گفت: «چند ماه بعد از ۲۳ خرداد، ما قوی‌تر از قبل هستیم.» او توضیح داد که بازسازی توان دفاعی کامل شده، نقاط ضعف و قوت شناسایی شده و همین آمادگی «نه تمایل به تقابل» عامل اصلی بازدارندگی امروز شد. جنگ ۱۲روزه، بنا بر توضیح او، محصول «محاسبه اشتباه دشمن» بود؛ محاسبه‌ای که اکنون دیگر امکان تکرار آن وجود ندارد.

در پایان، وزیر خارجه بار دیگر به پیوند میان دیپلماسی و بازدارندگی اشاره کرد و گفت تحریم‌ها هرچند هزینه‌زا بوده‌اند اما نتوانسته‌اند مسیر پیشرفت ایران را مسدود کنند. او خطاب به آمریکا و دیگر دولت‌های غربی یادآور شد که «حل مسائل با ایران تنها از مسیر احترام و کرامت ممکن است». عراقچی دو تجربه را منشور ملل متحد بود، بلکه «حمله‌ای مستقیم به نظام عدم اشاعه» محسوب می‌شود. این سطح از صراحت، جایگاه ایران در پرونده هسته‌ای را به شکلی تازه بازتعریف می‌کند: ایران در مقام «کشوری که سال‌ها از قوانین پیروی کرده و قربانی نقض قوانین شده است».

این بخش از سخنان وزیر خارجه، مخاطبان بین‌المللی کنفرانس را هدف گرفت؛ به‌ویژه آنها که در سال‌های اخیر با ادعاهای آمریکا درباره «تهدید هسته‌ای ایران» درگیر بوده‌اند.

دیپلماسی: قربانی نخست جنگ ۱۲روزه

نقطه کانونی تحلیل عراقچی درباره جنگ اخیر، این بود که «اولین بمب‌ها بر میز مذاکره» فرود آمدند. او تأکید کرد که ایران و آمریکا تا پیش از آغاز حملات، پنج دور مذاکره برگزار کرده و آماده دور ششم در ۲۵ خرداد بودند. اما با حمله اسرائیل به دستور آمریکا، «دیپلماسی عملاً متوقف شد». این جمله او که «دیپلماسی اولین قربانی جنگ بود»، در فضای کنفرانس، معنایی فراتر از توضیح یک واقعه داشت؛ این جمله چارچوب جدیدی برای بازخوانی موقعیت ایران است. عراقچی تلاش کرد این آسیب را به مخاطبان یادآوری کند: وقتی قواعد حقوق بین‌الملل کنار گذاشته می‌شود، هیچ مذاکره و هیچ توافق امنیتی ندارد. او با بیان اینکه «هیچ هدف آمریکا و اسرائیل محقق نشد» کوشید تصویر روشنی از منطق بازگشت ناگزیر غرب به گفت‌وگو بسازد؛ منطقی که در بخش بعد با جزئیات بیشتری شرح داد.

همه راه‌ها، دیر یا زود، دوباره به میز مذاکره بازمی‌گردد

حاشیه مهم کنفرانس «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم»

خبر

در پنل‌های تخصصی کنفرانس «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» مطرح شد حقوق بین‌الملل در محاق

شرق: کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» که در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه برگزار شد، فرصتی بود برای بازخوانی رخدادهای اخیر منطقه‌ای و جهانی؛ جایی که دیپلماسی و حقوق بین‌الملل به صحنه‌ای برای آزمون مقاومت و وفاداری تبدیل شده‌اند. در پنل‌های تخصصی، موضوعات کلیدی شامل «خیانت به دیپلماسی»، «تأثیر جنگ ۱۲روزه بر قدرت بازدارندگی ایران» و «چالش‌های موجود در روند‌های منع اشاعه هسته‌ای» بررسی شد. کارشناسان و دیپلمات‌ها ضمن تحلیل اقدامات آمریکا و اسرائیل، بر ضرورت پایدنی به چارچوب‌های بین‌المللی و حفظ حقوق ملت‌ها تأکید کردند.

بقای: دیگر نمی‌توان به هیچ مذاکره‌ای اعتماد کرد

اسماعیل بقایی در پنل «خیانت به دیپلماسی، پرونده تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران» در پاسخ به این پرسش که آیا در طول مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا توافقی در دسترس بود یا خیر؟ گفت: «بله، مذاکرات جریان داشت، اما تنها دو دور قبل از دور ششم، حمله غیرقانونی به ایران آغاز شد». او توضیح داد که ایران همواره به دنبال راه‌حل بوده، اما این مذاکرات به‌نوعی پوششی برای حمله رژیم صهیونیستی به کشور بود است. بقایی افزود: «اقدام اسرائیل و آمریکا صرفاً استفاده از قدرت نبود؛ آنها با تجاوز به اصول بین‌المللی، به دیپلماسی خیانت کردند». به گفته او، این حمله، اعتماد جهانی به مذاکره را خدشه‌دار کرد: «حمله به کشوری در حین مذاکره با آن، خیانتی آشکار به دیپلماسی است و اکنون دیگر نمی‌توان به هیچ مذاکراتی اعتماد کرد». او تأکید کرد که سیاست جهانی امروز نیازمند بازنگری است: «دیپلماسی برای ایران هرگز نمایش نبوده و نخواهد بود و باید به دستاوردهای بشری احترام گذاشت و عدالت و صلح جهانی را حفظ کرد». بقایی هشدار داد اگر روند فعلی مهار نشود، جهان به دوران پیش از معاهده بریان-کلوک بازخواهد گشت؛ جایی که جنگ و اشغالگری مشروع تلقی می‌شد.

غرب‌آبادی: امکان دسترسی به تأسیسات بمباران شده وجود ندارد

در پنل «منع اشاعه هسته‌ای در خطر» که با مدیریت حسین سادات میدانی برگزار شد، کاظم غریب‌آبادی با اشاره به حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: «این تجاوز، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و نظام عدم اشاعه است». او انتقاد کرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای حکام در برابر این حملات سکوت کرده‌اند. غریب‌آبادی افزود: بازرسان آژانس نتوانستند از تأسیسات ایران که بمباران شده، بازدید کنند و این دسترسی برای آنها وجود داشت؛ البته امکان دسترسی آنها به تأسیسات بمباران‌شده وجود ندارد، چون خودمان نیز دسترسی نداریم و به دلایل امنیتی و خطراتی که در این زمینه وجود دارد، این اجازه داده نشده است. او درباره اصرار برخی از کشورهای غربی برای بازدید از مراکز هسته‌ای بمباران‌شده ایران گفت: «به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی آنها برای این بازدید، آن است که ببینند چقدر توانسته‌اند به این مراکز آسیب بزنند».

حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، در تاریخ بی‌سابقه بود

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی نیز حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را در تاریخ بی‌سابقه توصیف کرد و افزود: «هیچ‌یک از حملات مشابه در عراق، سوریه یا زاپروئیا تحت نظارت آژانس نبوده‌اند؛ اما این بار، حمله به تأسیسات ایران که زیر پادمان آژانس بودند، انجام شد». او ادامه داد: «این اقدامات، ضربیه‌ای به قوانین بین‌المللی است و سه کشور اروپایی و آمریکا مانع صدور قطع‌نامه علیه آن شدند». اسلامی تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران مسیر شفاف و قانونی خود را ادامه داده و به چارچوب‌های پادمانی پایبند است.

مقیم تهران و کارشناسان داخلی که به بررسی نقض‌های آشکار حقوق بین‌الملل از سوی آمریکا و اسرائیل در حمله اخیر علیه ایران اختصاص داشت، او هشدار داد که سیاست‌های یک‌جانبه آمریکا، با حمایت برخی دولت‌های غربی، عملاً نظم بین‌المللی را به دوران پیشا سازمان ملل عقب رانده و کشورها را ناگزیر می‌کند برای امنیت خود به‌تنهایی اتکا کنند؛ وضعیتی که به گفته او «بذر هرچ‌ومرج» در نظام جهانی است. در پاسخ به پرسشی درباره میانجیگری احتمالی مصر در گفت‌وگوهای ایران و آژانس، وزیر خارجه توضیح داد که بسیاری از کشورهای منطقه برای جلوگیری از تنش و حفظ ثبات در تماس مستمر با تهران هستند. او تأکید کرد روابط ایران و آژانس برقرار است و سفر ایران در وین به طور فعال پیگیر موضوعات است؛ ازجمله دیدار مشترک سه کشور ایران، روسیه و چین با رافائل گروسی در روزهای اخیر. هم‌زمان، عراقچی یادآور شد که همکاری با آژانس تابع قواعد مشخص است و با تغییر شرایط میدانی، رایت این چارچوب‌ها اهمیت دوچندان یافته است. او در برابر انتقادها نسبت به انفعال وزارت خارجه گفت: «همین نشست نشان می‌دهد انفعالی در کار نیست». عراقچی به نقش فعال دیپلماسی ایران در جنگ ۱۲روزه اشاره کرد که سبب شد بیش از ۱۲۰ کشور حمله آمریکا و اسرائیل را محکوم کنند. او اقدام ایران در پرونده اسنپک را نمونه‌ای «تصورناپذیر» از موفقیت دیپلماتیک دانست که شگافی بی‌سابقه در شورای امنیت ایجاد کرد. عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره تأسیسات هسته‌ای نیز تأکید کرد که هیچ تأسیسات موضوع تحمیل است. عراقچی در پاسخ به پرسشی درباره امکان تکرار آن وجود ندارد و همه زیر نظر آژانس است. او گفت غنی‌سازی به دلیل حمله به تأسیسات متوقف شده اما حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای قابل معامله نیست. همچنین خاطر‌نشان کرد که تحریم‌ها تأثیری بر پروژه‌های مشترک هسته‌ای ایران و روسیه نخواهد داشت.

صورت‌بندی تازه از جایگاه ایران در نظم جهانی

سخنرانی عراقچی، چه در صحن اصلی کنفرانس و چه در حاشیه آن، بیش از آنکه یک روایت پساجنگ باشد، نوعی صورت‌بندی تازه از جایگاه ایران در نظم جهانی متلاطم امروز بود؛ نوعی صورت‌بندی که در آن «ایستادگی»، «بازدارندگی» و «گفت‌وگو» نه در تضاد، بلکه به‌عنوان سه ضلع یک مثلث واحد معرفی می‌شوند. او تلاش کرد تصویری از ایران ارائه دهد که هم قربانی نقض حقوق بین‌الملل بوده، هم بازیگری فعال در دفاع از سازوکارهای آن؛ هم هدف قرار گرفته، هم توانسته قواعد بازی را به نقطه تعادل جدیدی بازگرداند. پیام اصلی او این بود که ایران نه جنگ را انتخاب کرده و نه از مذاکره گریخته است؛ آنچه تهران از آن گریزان است، دیپلماسی بی‌دفاع و مذاکره از موضع تحمیل است.

جنگ ۱۲روزه را نه پایان مسیر بلکه نقطه چرخش دانست؛ نقطه‌ای که در آن، فشار حداکثری بار دیگر شکست خورد و بازیگران غربی ناگزیر شدند به همان میز بازگردند که از آن فاصله گرفته بودند. او کوشید ثابت کند که ایران پس از بحران نه تضعیف شده و نه منزوی؛ بلکه با بازسازی سریع توان دفاعی، فعال‌سازی شبکه‌های دیپلماتیک و تحمیل هزینه سیاسی بر واشنگتن و تل‌آویسو، وارد مرحله تازه‌ای از اعتمادبه‌نفس راهبردی شده است. با این حال، در متن سخن وزیر خارجه خبر هشدار جدی نیز نهفته بود: تا زمانی که نظم بین‌الملل بر مدار «زور» می‌چرخد و سازوکارهای قانونی از کار می‌افتند، هیچ مذاکره‌ای تضمین‌پذیری ندارد. سخنرانی عراقچی توضیح داد که آنچه در رفتار فعلی واشنگتن بود برای بازتعریف نقشه راه سیاست خارجی ایران در دوران پساجنگ؛ نقشه‌ای که بر یک اصل بنیادین استوار است. آن این است که نه تسلیم، نه تقابل بی‌پایان؛ بلکه گفت‌وویی که از دل قدرت می‌گذرد و از دل احترام معنا پیدا می‌کند.

نه گفتن به سلطه و آری گفتن به گفت‌وگو

سیدعباس عراقچی همچنین در حاشیه کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم»، در جمع خبرنگاران حاضر شد و بار دیگر بر خطمشی ثابت جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد که همان پیگیری دیپلماسی و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، هم‌زمان با ایستادگی در برابر هرگونه زورگویی بود. او با اشاره به تجربه جنگ ۱۲روزه یادآور شد که سیاست ایران «نه‌گفتن به سلطه و آری‌گفتن به گفت‌وگو» است؛ سیاستی که بر مقاومت در برابر زیاده‌خواهی و درعین‌حال تعهد به مذاکره منصفانه و شرافتمندانه بنا شده است. در پاسخ به پرسشی درباره مواضع آمریکا، عراقچی توضیح داد که آنچه در رفتار فعلی واشنگتن مشاهده می‌شود نه تمایل به مذاکره برابر، بلکه تلاش برای دیکته‌کردن خواسته‌های حداکثری است؛ رویکردی که از دید ایران امکان گفت‌وگو را از اساس منتفی می‌کند. او یادآور شد که ایران مذاکره‌ای را می‌پذیرد که بر پایه منافع متقابل و احترام متقابل باشد، نه مذاکره‌ای که به نام گفت‌وگو در عمل ابزار فشار باشد. عراقچی در ادامه به اهمیت برگزاری این کنفرانس اشاره کرد و آن را بخشی از مجموعه برنامه‌های «مجمع گفت‌وگوی تهران» دانست؛ نشستی با حضور حدود ۶۰ میهمان خارجی، دیپلمات‌های